

تنبيه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام

شهنام ابوالقاسمی* / تمنا داودی**

چکیده

ازدیرباز مناقشه بر میزان اثربخشی تنبيه میان دیدگاه‌های مختلف روان‌شناختی، علوم تربیتی و اسلام وجود داشته است. تنبيه به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن آمده است. معمولاً روان‌شناسان تنبيه بدنی را جایز نمی‌دانند و برای آن عوارض نامطلوبی همچون ترس، عدم یادگیری رفتار درست، توجیه صدمه زدن به دیگران، پرخاشگری نسبت به عامل تنبيه کننده، جانشین شدن یک پاسخ نامطلوب به جای پاسخ نامطلوب دیگر و الگو برداری از آن توسط دیگران برمی‌شمارند.

تنبيه کودک باید به اندازه جرم و گناه او باشد، نه بیشتر از آن. اگر کودک عقوبت رفتار اشتباه یا خلاف را نمی‌داند و یا پیش از تنبيه، متنبه شد نباید او را تنبيه کرد. نباید به خاطر تشفی خاطر و تخلیه هیجانی کودک را تنبيه کرد. بهتر است از روش‌های جانشین تنبيه همچون اشباع، افزایش سن رشد، گذشت زمان، تقویت رفتار ناهمساز و نادیده گرفتن استفاده کرد.

واژگان کلیدی: تنبيه، رفتار ناهمساز، اشباع، محرک آزارنده، تربیت و تأدیب.

* استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن Dr_shahnam_Abolghasemi@Yahoo.com

** دانشجویی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی. دریافت: ۸۹/۳/۶ - پذیرش: ۸۹/۸/۱۶

مقدمه

آیا این ضرب المثل قدیمی صحیح است؟ کسی بچه خود را نزند، روزی به سینه خود خواهد زد. آیا تنبیه یک روش تربیتی است؟ کارایی آن در چه سطحی است؟ شرایط استفاده از آن چیست؟ چه کسانی اجازه اعمال نتیجه را دارند؟ دیدگاه اسلام در این زمینه چیست؟ روان‌شناسان و مربیان تربیتی چه می‌گویند؟ اینها و پرسش‌هایی از این دست، پرسش‌هایی است که در محافل تربیتی زیاد مطرح است.

تنبیه در لغت به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن آمده است. در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد و به سه معنا به کار می‌رود:

۱. اسکینر^۱ می‌گوید: تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می‌کند یا چیزی منفی به آن می‌افزاید. در واقع، تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانسیم^۲ (موجود زنده) است که خواستار آن است، یا دادن چیزی است به کسی که طالب آن نیست. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای عام می‌گوییم.^۳

۲. ارائه پاسخ منفی به ارگانسیم. تنبیه عبارت است از: ارائه یک محرک آزارنده (تقویت کننده منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. اگر پس از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک، مثلاً گفتن یک حرف زشت، با ارائه یک محرک آزارنده مثل سیلی زدن به او بخواهیم حتماً بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده ایم. تنبیه به این معنا؛ تنبیه به معنای خاص می‌گوییم.^۴

۳. تنبیه بدنی یا کتک زدن. گاهی مراد از تنبیه به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می‌گوییم. روشن است که بر طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که عبارت است از: تغافل، بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما بر طبق معنای دوم، تنبیه دیگر شامل تغافل، بی‌اعتنایی، محروم سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود. آنچه از میان این معانی سه‌گانه مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است. گرچه برخی از مصادیق تنبیه به معنای خاص دوم، نظیر تهدید، تحقیر، سرزنش و تمسخر نیز کما بیش مورد رد و انکار واقع شده است.^۵

تنبيه و عوارض آن از دیدگاه روان‌شناسی

معمولاً روان‌شناسان تنبيه را - دست‌کم تنبيه بدنی را جایز نمی‌دانند و عدم کارایی و یا اثرات و مضرات جانبی آن را دلیل بر این امور می‌دانند. ولی باید گفت: چنین نیست اولاً، چنین چیزی نیست که تنبيه کارایی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبيه اصلاح‌کننده است. بطوری که عموم کسانی که در مورد اصلاح رفتار کتابی نوشته‌اند، تنبيه را به عنوان یکی از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند، ثانیاً، در مواردی که تنبيه اصلاح‌کننده نباشد، حداقل دارای اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی برای دیگران است این خود اثر کمی نیست؛ زیرا مواردی وجود داد که رفتار نامطلوب باید فوراً متوقف شود، به طوری که اگر متوقف نشود، آثار جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.

اسکینرو^۱ و ثراندایک^۲ بر سر اثربخشی تنبيه هم رأی هستند: تنبيه احتمال پاسخ را کاهش نمی‌دهد. اگر چه تنبيه سبب بازداری یا واپس زدن پاسخ می‌شود، ولی تازمانی که تنبيه به کار می‌رود، عادت ضعیف نمی‌گردد.^۳

گاتری^۴ روان‌شناس رفتارگرا، که از قوانین تداوی تنها قانون مجاورت را پذیرفته است، می‌گوید: کارآمدی تنبيه به وسیله آنچه که تنبيه ارگانسیم تنبيه شده را به انجام آن وا می‌دارد، تعیین می‌گردد. تنبيه نه به علت ناراحتی‌ای که تولید می‌کند، بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد، مؤثر است. تنبيه تنها در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند. به طور خلاصه، گاتری معتقد است:^۵

۱. آنچه درباره تنبيه مهم است، عملی است که ارگانسیم در نتیجه تنبيه انجام می‌دهد، نه احساسی که بر اثر تنبيه در او بوجود می‌آید.
 ۲. برای اینکه تنبيه مؤثر افتد، باید رفتاری را ایجاد کند که با رفتار تنبيه شده ناهمساز است.
 ۳. برای اینکه تنبيه مؤثر افتد، باید در حضور محرک‌هایی که رفتار تنبيه شده را فرا می‌خواند اعمال گردد.
 ۴. اگر شرایط موجود در بندهای ۲ و ۳ بالا رعایت نشود، تنبيه نامؤثر خواهد بود حتی ممکن است پاسخ نامطلوب را قوی‌تر سازد.
- جان لیونز و همکاران^۶ می‌گویند: بسیاری از مطالعات بیانگر تأثیر تنبيه بر رفتار هستند. یافته‌ها می‌گویند: میزان تأثیر تنبيه در فرو نشانیدن رفتار نامطلوب وابسته است به:

الف) شدت، مدت، فراوانی و توزیع پیامدهای ناخوشایند تنبیه؛

ب) فواصل زمانی اجرای تنبیه؛

ج) شدت رفتاری که به خاطر آن تنبیه صورت می‌گیرد؛

د) وجود پاسخ‌های جانشین؛

ه) محدوده‌ای که در آن رفتار متضاد یا مطلوب پاداش داده می‌شود.

در روان‌درمانی، تنبیه در اصلاح رفتارهایی که برای کودکان یا دیگران خطر فوری دارد، یا جاهایی که نتیجه فوری لازم است، بهترین کاربرد را دارد.

موریس^۱ در زمینه اصلاح رفتار کودکان می‌نویسد: درست همان طور که با پاداش دادن به کودک در هر زمان که رفتار مطلوب را انجام می‌دهد، می‌توان آن رفتار را نیرومند کرد، با پاداش ندادن قاطعانه به کودک هنگام اجرای رفتار نامطلوب نیز می‌توان این رفتار را در او کاهش داد..... به هر حال، در مواقع نادری از تنبیه بدنی (مثل یک سیلی دردناک، یا یک فریاد)، باید استفاده شود.^{۱۲}

سال آکسلرد^{۱۳} می‌نویسد:

علی‌رغم بعضی از نواقصی که به این روش (تنبیه) نسبت داده‌اند، من معتقدم که تکنیک‌های تنبیه می‌توانند ابزار مفید برای آموزگار باشند. یک دلیل این است که تنبیه احتمالاً در شرایطی مؤثر واقع می‌شود که تکنیک‌های دیگری مانند تقویت یک رفتار ناهمساز و خاموشی کارگر نیستند. همین‌طور روش‌های تنبیه اغلب رفتارهای نامطلوب را سریع‌تر از تکنیک‌های دیگر کاهش می‌دهند.^{۱۴}

والترچین^{۱۵} و بنکس^{۱۶} (۱۹۷۲) معتقدند: «هر کودکی باید بفهمد که در صورت نافرمانی و سرپیچی از اطاعت بزرگسالان با او برخورد نامطلوبی خواهند داشت. اگر کودک به خاطر عمل اشتباه خود، تنبیه نشود تصور می‌کند که عمل او به طور ضمنی تأیید شده است.^{۱۷} رونالدز ایلینگورث می‌گوید:

بسیاری از والدین بر این باورند که تنبیه بدنی نادرست و نامطلوب است و به جای آن اغلب از تنبیه ذهنی و روانی، که به مراتب خطرناکتر است، استفاده می‌کنند یا هیچ‌پدر و مادری هرگز نباید از سلاح تهدید به ترک کودک یا دوست نداشتن او و یا فرستادن کودک به شبانه‌روزی‌ها استفاده کند. در تمام مواقع، چه در خانه و چه در مدرسه، سلاح تمسخر، انتقاد و تحقیر کودک بدو نامطلوب است و نتیجه‌ای جز اینکه کودک را غمگین و دچار ناامنی سازد نخواهد داشت. در مورد کودکان سنین پیش از دبستان، که به اندازه کافی

می‌فهمند، زدن ضرب‌های آرام به پشت آنها، بدون خطر است. همین تنبيه نیز پس از آن سن، غالباً غیر ضروری و نامطلوب است. به هر حال، باید توجه داشت که تنبيه بدنی به هیچ عنوان نباید آسیب برساند. همچنین کودک نباید در حضور برادران و خواهران خود تنبيه بدنی شود. احیاناً اگر تنبيه شد، پس از آن دیگر نباید با او حرف زد.^{۱۸}

سیف در کتاب تغییر رفتار و رفتاردرمانی در پایان بحث تنبيه می‌گوید:

کوتاه سخن اینکه، روش تنبيه خشن‌ترین و نامطلوب‌ترین روش تغییر رفتار است. استفاده غیرمسئولانه از آن عوارض جانبی نامطلوب به بار می‌آورد، هرگز نباید به صورت یک روش تربیتی از آن استفاده شود. تنها زمانی که رفتار نامطلوب برای صاحب رفتار یا کسان دیگر تهدید کننده سلامتی است باید به کار گرفته شود، آن هم به صورت موقتی تا اینکه فرصت استفاده از روش‌های دیگر فراهم آید و پیش از استفاده از روش تنبيه باید رضایت شخص یا سرپرست و قیم او را کسب کرد.^{۱۹}

عواض نامطلوب تنبيه

دلایل اسکینر بر علیه تنبيه به قرار زیرند:^{۲۰}

۱- تنبيه آثار جانبی هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد. ارگانيسمی که تنبيه می‌شود، می‌ترسد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبيه شدن او حضور دارند، تعمیم می‌یابد.

۲. تنبيه به ارگانيسم نشان می‌دهد که چه کار نکند، نه اینکه چه کار بکند. در قیاس با تقویت، تنبيه هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار ارگانيسم نمی‌گذارد. تقویت نشان می‌دهد رفتاری که در موقعیت انجام گرفته مؤثر بوده است. بنابراین، به یادگیری بیشتری نیاز نیست. تنبيه غالباً این آگاهی را به ارگانيسم می‌دهد که پاسخ تنبيه شده در ایجاد تقویت مؤثر نیست و او به یادگیری بیشتری نیاز دارد تا منجر به پاسخی که کارساز است.

۳. تنبيه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند. این البته در پرورش کودکان بیشتر صادق است. وقتی که کودکان تنبيه می‌شوند، تنها چیزی که می‌آموزند این است که در بعضی موقعیتها صدمه زدن به دیگران جایز است.

۴. کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن رفتار قبلاً تنبيه شده خود را انجام دهد، بدون اینکه برای آن تنبيه شود، ممکن است وادار به انجام آن رفتار شود. بنابراین، در غیاب عوامل تنبيه کننده، ممکن است کودکان فحش بدهند، شیشه بشکنند، با بزرگترها بی ادبانه رفتار کنند، به بچه‌های کوچکتر آزار برسانند و غیره. این کودکان آموخته‌اند که در

حضور عوامل تنبیه‌کننده، این رفتارها را واپس بزنند، اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تنبیه‌کننده این رفتار را انجام ندهند.

۵. تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. تنبیه در شخص تنبیه شده پرخاشگری ایجاد می‌کند. این پرخاشگری ممکن است موجب مشکلات دیگری شود. برای نمونه، مؤسسات کیفری جامعه، که تنبیه را به عنوان وسیله اصلی به کار می‌برند، سرشار از افراد بسیار پرخاشگر هستند، و مادام که تنبیه یا تهدید تنبیه برای کنترل رفتار آنان به کار می‌رود، همچنان پرخاشگری باقی خواهند ماند. سعدی درگفته حکیمانه خود اثر همین پدیده را نشان داده است:

چیزی که دانی دلی بیازارد تو خاموش تا دیگری بیازارد

۶. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگر می‌سازد. برای نمونه، کودکی که به سبب ریخت و پاش تنبیه می‌شود، بچه‌گریه کن تربیت می‌شود. همان گونه که شخصی که برای دزدی تنبیه می‌شود، ممکن است پرخاشگر شود و در فرصت مناسب، به جرایم سنگین‌تری دست بزند.

۷. مشکل دیگر استفاده از تنبیه کردن این است که تنبیه کرن عملی است که به سرعت توسط دیگران به کودکان و نوجوانان آموخته می‌شود. بندورا و والترز آشواهدی به دست داده‌اند حاکی از این است کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند در مواقع و مکان‌های دیگر، خود به تنبیه دیگران اقدام کرده‌اند.

۸. یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده برای فرار از تنبیه، ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد نپردازد، رفتارهای دیگری را جانشین آن کند. برخی رفتارهای جانشین مخرب ناسازگارانه و روان‌رنجورانه هستند. سازوکارهای دفاعی روانی، که مکتب روانکاوی توضیح داده است، راه‌هایی هستند که در آنها آرزوهای سرکوب شده، سانسوررا کنار می‌زنند و راه بروز می‌یابند. طبق نظر اسکینر (۱۹۷۲)، این سازوکارها در واقع راه‌هایی هستند که افراد برای فرار از تنبیه به آنها متوسل می‌شوند. شخص ممکن است به جای انجام رفتاری که تنبیه به دنبال دارد، طریقی به آن رفتار بپردازد که تنبیه به دنبال نداشته باشد، مانند خیال پردازی یا رویای روزانه؛ و یا شخصی ممکن است با متوجه ساختن رفتار قابل تنبیه به چیزهایی که نمی‌توانند تنبیه‌کننده باشند، آن رفتار را جا به جا سازد. مثلاً ممکن است به اشیای فیزیکی، کودکان یا جانوان کوچک پرخاشگری کند.^{۲۲}

به قول ریس^{۲۴} استفاده از روش تنبيه آخرين راه حل است. اگر لازم است از آن استفاده شود، باید در مؤسسات تخصصی یا در دفترکار یک درمانگر مجاز از آن استفاده شود.^{۲۵} با توجه به آنچه که از برخی روان‌شناسان و مریبان نقل شد، که در روان‌شناسی نیز حتی تنبيه بدنی به کلی مطرود و ممنوع نیست، بلکه در مواردی آن را جایز و حتی لازم می‌دانند.^{۲۶} دیدگاه برخی فقها پیرامون تنبيه: با توجه به شرایط، جو زمان و برخی اصول فلسفی و دینی نظرات فقهاء، می‌توان به دست آورد که برخی از آنها، تنبيه را به اشکال گوناگون و نه صرفاً بدنی مجاز دانسته، اما در کمیت و کیفیت آن و در موارد اجرا کننده آن اختلاف نظر دارند. در اینجا به برخی از این نظرات می‌پردازیم:

آیه الله العظمی اراکی در پاسخ به این که هرگاه پدر، فرزند خود را به قصد تأدیب مورد ضرب قرار دهد آیا دیه دارد یا خیر؟ فرموده‌اند: هرگاه تأدیب طفل متوقف باشد بر ضرب جائز است ولی باید سرخ و کبود نشود.^{۲۷}

آیه الله العظمی بروجردی در این زمینه می‌فرمایند: «اگرچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، والدین یا معلم او می‌توانند به قدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند».^{۲۸} آیه الله العظمی گلپایگانی نیز می‌فرمایند: «اگرچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، والدین یا دیگران با اجازه والدین او حتی به قدری که ادب شود و دیه وارد نشود او را بزند».^{۲۹} حضرت امام خمینی^{۳۰} نیز می‌فرمایند: «گفته شده است که در ادب کودک زدن بیش از ده شلاق کراهت دارد. اما ظاهر این است که ادب کودک باید با توجه به نظر ادب‌کننده و والدین کودک باشد. گاهی مصلحت کودک اقتضاء می‌کند که کمتر از ده شلاق به او زد و گاهی اقتضای بیشتر از ده شلاق می‌کند، ولی در هر حال، نباید از تعزیر فرد بالغ بیشتر شود، بلکه احتیاط این است که از تعزیر یک مرد بالغ هم کمتر باشد و احوط از آن این است، که به پنج و شش شلاق اکتفا شود».^{۳۰}

تنبيه کودک در روایات

در هر شکل که بتوان روایات را تفسیر نمود نکته مهم این است که خداوند انسان را آزاد آفریده و دین مبین اسلام نیز برخلاف نظر برخی از نظریه پردازان نسبت به انسان دیدگاه خوش بینانه دارد.

روایاتی که از سوی ائمه معصومان^{علیهم‌السلام} در ارتباط با تنبيه مطرح شده‌اند، سه دسته هستند

که روایات دسته دوم و سوم به بحث ما مربوط می‌شود، ولی روایت دسته اول جنبه قانونی و قضایی دارند. سه دسته روایات عبارتند از: ^{۳۱}

دسته اول روایاتی هستند که اجازه تنبیه کودک را به حاکم می‌دهد، در برابر گناهی که کودک انجام می‌دهد. مانند سرقت، زنا، لواط و... او را تنبیه و تعزیر کند. به دلیل اینکه، این دسته از روایات در مورد حقوق کیفری است و تحقق آن به دست قاضی است و با موضوع بحث ما، که در زمینه والدین و معلم می‌باشد، چندان ارتباطی ندارد، از بحث درباره آن صرف نظر می‌کنیم.

دسته دوم روایاتی است که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تأدیب او، برای پدر و معلم جایز می‌شمارد. دسته سوم روایاتی است که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می‌شمارد. از روایات دسته دوم و سوم می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. حماد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد ادب کودک و عیب پرسیدم. امام فرمود: پنج یا شش ضربه و تا می‌توانی مدارا کن. ^{۳۲}

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کودکان مکتبی نوشته‌های خود را نزد امیرالمومنین علیه السلام آوردند تا بهترین آنها را انتخاب کند. امام فرمود این کار قضاوت است و جور در آن مثل جور در قضاوت است. به معلمتان بگویید اگر بیشتر از سه ضربه برای تأدیب شما بزند قصاص خواهد شد. ^{۳۳}

۳. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است که فرمود: «ادب کودک سه ضربه است و افزودن بر آن روز قیامت قصاص می‌شود. ^{۳۴}

۴. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهد و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید. ^{۳۵}

تا چه اندازه می‌توان کودک را تنبیه کرد؟

در راستای کمیت تنبیه در روایات پاسخ‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی سه تا، برخی چهار تا، برخی دیگر شش را مطرح کرده‌اند ولی در جمع این روایات می‌توان گفت: برای معلم زدن بیش از سه تا جایز نیست چون در معتبره سکونی امام، بیش از سه تا را برای معلم جایز ندانسته‌اند و فرمودند: قصاص خواهد شد. اما برای پدر، پدر بزرگ، جد پدری و شاید مادر، بیش از شش تا زدن جایز نیست. البته به حسب تفاوت موارد، تعداد

ضرب هم متفاوت می‌شود. ولی به هر حال، پیش از شش تا جایز نیست بزنند. اما در مورد کیفیت تنبيه کودک آنچه از روایات استفاده می‌شود چند نکته است:^{۳۶}

الف. باید عمل خلاف کودک را نادیده انگاشت و در صورت عدم تکرار آن، به رخ کشیده نشود. پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به سؤال جزئی نسبت به عصیان اهل و خانواده او، تا سه مرتبه می‌فرماید: آنها را ببخش و عفو کن و در مرتبه چهارم می‌گوید: اگر تنبيه کردی به اندازه جرم و گناه، آنها را تنبيه کن.^{۳۷}

ب. همواره باید با کودک حتی در تنبيه او با نرمی و مدارا برخورد کرد. امام صادق ﷺ به حمادبن عثمان فرمود: پنج تا شش تا بزن و با او مدارا کن.^{۳۸} در اینجا که مسلماً مدارای در کیفیت مطرح است، اگر نگوئیم مدارای در کمیت هم مراد است.

پ. باید از زدن به جاهای حساس بدن کودک پرهیز کرد. رسول اکرم ﷺ در روایتی فرمود: از زدن به سر و صورت پرهیز.^{۳۹}

ج. تنبيه کودک نباید آنقدر شدید باشد که موجب سرخ شدن یا کبود شدن بدن او شود؛ چه در این صورت موجب پرداخت ديه توسط تنبيه‌کننده می‌شود حتی اگر تنبيه‌کننده پدر باشد.^{۴۰}

سن تنبيه

از روایاتی که تنبيه کودک را بر ترک نماز جایز می‌دانند، اینطور استنباط می‌شود که وقتی کودک خوب و بد را درک می‌کند و بتواند بین خوب و بد تمییز قایل شود و عقل را در این زمینه به کار گیرد، می‌توان او را تنبيه کرد، زیرا برخی از این روایات تنبيه را بر ترک نماز در ۷ سالگی، برخی در ۹ سالگی و برخی در ۱۰ سالگی جایز می‌دانند.

گرچه می‌توان گفت برخی روایات در مورد تنبيه کودک بر ترک نماز است، ولی در موارد دیگری نیز مصداق دارد؛ زیرا هدف از تنبيه کودک تأديب و تربیت اوست و وقتی کودک بتواند بدی و خوبی امور را تشخیص دهد، علت تنبيه را درک کند. اگر او را تنبيه کنیم به هدف نخواهیم رسید. در روایتی از امام صادق ﷺ در مورد کودکی، که دزدی کرده بود، فرمود: از او بپرسید آیا می‌داند که دزدی عقوبت دارد، اگر می‌دانست بپرسید: عقوبت آن چقدر است. اگر نمی‌دانست، رهايش کنید.^{۴۱}

تنبيه و عمل

آیا هر عمل خلافی که از کودک سرزد می‌توان او را تنبيه کرد، یا فقط در برابر گناهان می‌توان او را تنبيه کرد؟ در این ارتباط بعضی از روایات در امور محرم صریح و روشن هستند. مانند روایاتی که تنبيه کودک را بر ترک نماز جایز می‌دانند. آنچه از روایات استنباط می‌شود این است که در مواردی، که به تأدیب و تربیت کودک مربوط می‌شود، می‌توان او را تنبيه کرد، خواه این خلاف، از خلاف‌های اخلاقی، عرفی یا اجتماعی باشد که از نظر شرع گناه محسوب نمی‌شود و یا خلافی باشد که از نظر شرعی گناه محسوب می‌شود؛ زیرا در غالب این روایات سؤال از ادب کودک است که تقریباً معادل تربیت امروزی است.^{۴۲}

اثر اخلاقی تنبيه

از آنچه گذشت می‌توان گفت: تنبيه از نظر فقهی مجاز است، اما تنها جواز فقهی کافی نیست، بلکه باید از دیدگاه اخلاقی و تربیتی ارزش آن مشخص شود. در این زمینه، روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته از روایات به رحم، شفقت، مدارا و عفو کودک توصیه می‌کنند برای نمونه در روایتی آمده است: «کودکان را دوست بدارید و به آنها ترحم کنید»^{۴۳} و یا می‌فرماید: «با کسی که به او آموزش می‌دهید و با کسی که از او می‌آموزید نرمی کنید» همچنین آمده است: «کودکان را مورد عفو قرار بده».^{۴۴}

دسته دوم روایاتی هستند که از تندی، غضب و عتاب و خطاب نسبت به کودکان منع می‌کنند، مانند: «خداوند برای هیچ چیز مانند غضب نسبت به زنان و کودکان ناراحت نمی‌شود»^{۴۵} و یا می‌فرماید: هنگام غضب کسی را تأدیب یا تنبيه نکنید».^{۴۶}

با توجه به این دو دسته روایات، می‌توان گفت: محبت، احترام، عفو و بخشش همواره مطلوب است. تندی، عتاب، خطاب و غضب نسبت به کودک نه تنها مطلوب نیست، بلکه از آن نهی هم شده است. اما اگر برخی از روایات تنبيه کودک را جایز می‌دانند، در مواردی است که راه دیگری جز تنبيه برای اصلاح و تربیت کودک در کار نباشد و یا کارایی خود را نسبت به افرادی از دست داده باشد. بنابراین، در حد امکان و اگر راه‌های بهتر برای اصلاح رفتار کودک وجود دارد، نباید از تنبيه استفاده کرد. راه اصلی تربیت راه رفق، مدارا، محبت، رحمت و عفو است و استفاده از تنبيه در مواردی جایز است که از راه اصلی نتوان به هدف رسید. پزشک وقتی کارد جراحی را به دست می‌گیرد که از درمان بیماری با دارو

مأیوس شده باشد. شاهد این مدعا این است که در سیره معصومان علیهم‌السلام مشاهده نشده است که آنان فرزندان خود و یا کودکان دیگری را تنبيه کرده باشند.

آثار تربیتی تنبيه

بعضی از متخصصان رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی معتقدند که آثار تنبيه این است که کودک را از دست زدن به عمل خلاف، مادامی که بداند تنبيهی در کار است، باز می‌دارد. همین که مطمئن شد که دیگر تنبيهی در کار نیست، دوباره به آن کار دست خواهد زد. برخی دیگر از متخصصان گفته‌اند: اگر تنبيه به جا و به موقع و در حد مطلوب اجرا شود، می‌تواند رفتار نامطلوب را برای همیشه از بین ببرد. اما روایاتی در این زمینه وجود دارند می‌توان از آنها استفاده کرد که تنبيه اثر اصلاحی دارد:

۱. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «من لم یصله حسن المداراه یصلحه حسن المكافاه» کسی که خوش رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد.^{۴۷}
 ۲. در جای دیگر آن حضرت می‌فرماید: «استصلاح الاخیار با کرا مهم و الا شرار بتادیبهم» راه و روش اصلاح خوبان به بزرگداشت آنهاست و اصلاح بدان به تنبيه و عقاب آنهاست.^{۴۸}
- با توجه به دو روایت فوق، می‌توان گفت که تنبيه اثر اصلاحی دارد. در مواردی هم حداقل اثر بازدارندگی دارد. این موضوع نیز در امر تربیت مطلوب است، هرچند که هدف اصلی اصلاح و جایگزینی رفتار مطلوب به جای رفتار نامطلوب می‌باشد.

نکاتی در مورد میزان و نوع تنبيه

۱. تنبيه نباید بیش از مقدار جرم و گناه باشد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایات اسدبن وداعه، پس از آن که سه بار از تنبيه نهی کرد، فرمود: اگر تنبيه کردی به اندازه گناه تنبيه کن.^{۴۹}
۲. در تنبيه باید قوت بدنی، سن و شخصیت افراد را در نظر داشت. در روایت حمادبن عثمان، امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر مقدار که حاکم مصلحت بداند، بر حسب مقدار گناه و یا قدرت بدنی شخص تعزیر کند. در مورد شخصیت افراد حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کیفر عقلا با اشاره است و کیفر جهال با تصریح و صراحت». و جای دیگر می‌فرماید: «کنایه و تعریض برای عاقل شدیدترین عقاب است».^{۵۱}
۳. اگر کودک قبل از این که تنبيه شود، متنبه شد، نباید او را تنبيه کرد؛ زیرا هدف از تنبيه آگاهی و اصلاح کودک است و وقتی این هدف حاصل شد، دیگر تنبيه معنی ندارد.

همچنین اگر پس از تنبیه کودک، رفتار آن اصلاح شد، دیگر نباید رفتار خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه‌ای برای تنبیه و سرزنش او قرار دهیم. قرآن کریم می‌فرماید: «زنانی را که به وظائف همسری عمل نکنند، موعظه کنید و از همبستری با آنها بپرهیزید و آنها را بزنید، اگر اطاعت کردند دیگر بهانه‌ای برای ستم و آزار آنها مجوید» (نسا: ۳۴).

۴. در صورتی می‌توان کودک را تنبیه کرد که به عمل خلاف و بد بودن آن و میزان مجازات وجود آن آگاهی داشته باشیم.

۵. نباید کودک را به خاطر تشفی خاطر و تخلیه هیجانی خود تنبیه کرد، بلکه همواره باید اصلاح و تربیت کودک مورد توجه باشد.

۶. در تنبیه باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ضعیف شروع کرد؛ چرا که شاید، با اجرای مرحله‌ای ضعیف از تنبیه مثل تغییر چهره، کودک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود. در این صورت، دیگر نیازی به تنبیه بدنی نخواهد بود.^{۵۲}

جانشین‌های تنبیه

۱. یکی از روش‌ها، دور کردن و یا پنهان کردن وسیله و یا هدفی است که کودک نتواند به آن دسترسی پیدا کند.

۲. به کودک اجازه داده شود تا سرحد اشباع یا دلزدگی به آن رفتار ادامه دهد. مانند اینکه به کودک اجازه داده شود تا هر چه می‌خواهد شیرینی بخورد یا کبریت‌ها را آتش بزند.

۳. اگر رفتار نامطلوب ناشی از مراحل رشد کودک است، پس از آنکه کودک به سن بالاتر رسید، مشکل خودبه‌خود برطرف خواهد شد. اسکینر معتقد است: «تا مرحله مناسب رشد فرا نرسد، معمولاً نمی‌توان به سادگی رفتارهای مشکل‌زا را تحمل کرد، به ویژه در شرایط معنوی خانواده‌ها، اما آسوده خاطر خواهیم بود اگر بدانیم با رساندن کودک به یک مرحله قابل قبول از لحاظ اجتماعی، او را از عواقب مطلوب تنبیه برحذر داشته‌اید.»^{۵۳}

۴. روش دیگر این است که فرصت دهیم تا زمان خود مشکل را حل کند، اما ممکن است زمان بسیار طولانی باشد. عادت‌ها به سرعت فراموش نمی‌شوند.

۵. روش جانشین دیگر برای تنبیه، تقویت کردن رفتار ناهمساز^{۵۴} رفتار نامطلوب است.

۶. با وجود اینها، بهترین راه از بین بردن عادت نامطلوب، نادیده گرفتن آنهاست.

اسکینر (۱۹۵۳) معتقد است که احتمالاً بهترین فرآیند جانشین برای تنبیه خاموشی است. این روش زمان بر است، اما از فراموشی طبیعی بسیار سریعتر اتفاق می‌افتد. این روش دارای عوارض نامطلوب کمتری است. برای انجام آن والدین باید نسبت به رفتارهای نامطلوب کودک خود بی‌توجهی نشان دهند.^{۵۵}

به طور کلی، رفتار به دلیل اینکه تقویت می‌شود، ادامه می‌یابد. این اصل هم در مورد رفتار مطلوب درست است، هم در مورد رفتار نامطلوب. برای حذف رفتار نامطلوب باید منبع تقویت را پیدا کرد و آن را از میان برداشت. رفتاری که تقویت به دنبال نداشته باشد. خاموش می‌شود.^{۵۶}

نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت: با مرور روایات حضرات معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید که تنبیه کودک در جهت تربیت او جایز است. هر چند این روش از مطلوبیت بالایی برخوردار نیست؛ یعنی تا زمانی که برای تربیت کودک از روش‌های دیگری بتوان استفاده کرد، بهتر است از این روش استفاده نشود. چه بسا اگر از روش‌های دیگر تربیتی به نحو درست و صحیح استفاده شود، هیچ‌گاه نیازی به تنبیه کودک حاصل نشود. به هر حال، اگر در امر تربیت از نظر مربی به تنبیه او نیاز شد، تنبیه او جایز است و عوارض و عواقب فرضی در برابر اصل هدایت و تربیت کودک از اهمیت چندانی برخوردار نیستند به خصوص اگر بتوان با استفاده از روش‌های دیگر تربیتی عواقب فرضی را کاهش داد و یا حتی آنها را از بین برد.

تا آنجا که ممکن است بهتر است از روش‌های دیگر تغییر و اصلاح رفتار، که برخی از آنها براحتی قابل انجام است، استفاده کرد. برای مثال، بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به رفتار، محروم کردن کودک از برخی امتیازات، صبر و تحمل رفتار نامطلوب و حل آن توسط زمان، تقویت رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب و انواع دیگر جانشین‌های تنبیه روش‌های مطلوب تغییر رفتار می‌باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱ Skinner

۲ organism

۳. علی‌اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی، ص ۴۰۰ - ۳۹۱.

۴. همو، روان‌شناسی پرورشی، ص ۲۷۷.

۵. سیدعلی حسینی‌زاده، «تنبیه از دیدگاه اسلامی»، حوزه و دانشگاه، سال چهاردهم و پانزدهم، ص ۳۱-۲۳.

۳ Thorndik

۶ Guthrie

۷. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ج ۴، ص ۲۷۸.

۸ Lyons, john

۹. همو، روان‌شناسی پرورشی، ج ۴، ص ۲۷۷.

۱۰. گلاور، جان، ای؛ برونینگ، راجر، اچ. روان‌شناسی تربیتی (اصول و کاربردآن)، ترجمه علینقی خرازی، ص ۲۸۷.

۱ Muris

۱۲. ریچارد جی. موریس، اصلاح رفتار کودکان، به نقل از کسائیان، ص ۸۸-۷۳.

۱ Akselrod, S.R.

۱۴. سال آکسلرود، تغییر رفتار در کلاس درس، منیجه شهنی بیلاق، ص ۴۷.

۱ Chine, w

۱ Benex

۱ Eilnegoreth, R.O

۱۷. گلاور، جان، ای؛ برونینگ، راجر، اچ. روان‌شناسی تربیتی (اصول و کاربردآن)، ترجمه علینقی خرازی، ص ۲۸۷.

۱۸. ایلینگورس، رونالدس، کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوایی نژاد، ص ۴۷.

۱۹. علی‌اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی، ص ۴۰۰-۳۹۱.

۲۰. همان.

۲ Bandura and walterze

۲ Neurotic

۲ Mental defensive Mechanisms

۲۲. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ج ۴، ص ۲۷۷.

۲ Reese

۲۴. علی‌اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی، ص ۴۰۰-۳۹۱.

۲۵. ریس، ای، پی، رفتار انسان: تجزیه و تحلیل و کاربرد، ترجمه علی‌اکبر سیف، ص ۱۵۸.

۲۶. اکبر خوئی نژاد، روش‌های تربیت کودک، ص ۳۴۵-۳۴۴.
۲۷. حسن بن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۵۸۱، روایت اول.
۲۸. میرزا حسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۱۸، روایت ۲۹۰۶.
۲۹. تیمی آمدی، *غررالحکم*، ج ۲، ص ۶۴۰، ش ۴۵۷.
۳۰. علی عطائی، *آراء فقها و المراجع فی حکم تأدیب الصبیان و ضربهم*، ص ۲۹.
۳۱. المیثمی حافظ نورالدین، *مجموع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۸، ص ۱۰۶.
۳۲. جواد ابن محمد حسینی شقراپی عاملی، *مفتاح الکرامه، آراء فقها و المراجع فی حکم تأدیب الصبیان و ضربهم*، ج ۸، ص ۲۷۳.
۳۳. همان.
۳۴. حسین جعفری، *آداب المعلمین*، ص ۷-۳۵۶.
۳۵. علاءالدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۶، ص ۴۴۰، روایت ۴۵۳۲۷.
۳۶. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۵۸۱، روایت ۱.
۳۷. المیثمی، حافظ نورالدین، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، ص ۱۰۶.
۳۸. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۵۸۱، روایت ۱.
۳۹. همان
۴۰. همان، روایت ۲
۴۱. حافظ نورالدین، المیثمی، *مجموع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۸، ص ۱۰۶.
۴۲. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۱۸، روایت ۲۹۰۶.
۴۳. کلینی، *کافی*، ج ۶، ص ۴۹، روایت ۳.
۴۴. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۱۸، روایت ۲۹۰۶.
۴۵. کلینی، *کافی*، ج ۶، ص ۵۰، روایت ۸.
۴۶. *بحار الانوار*، ص ۱۰۲، ج ۱، ۷۹، روایت ۲؛ تمیمی آمدی، *غررالحکم*، ج ۲، ص ۸۳۳، ش ۹۶.
۴۷. علی اکبر سیف، *روانشناسی پرورشی*، ص ۲۷۸.
۴۸. همو، *تغییر رفتار و رفتار درمانی*، ص ۴۰۰-۳۹۱.
۴۹. *مفتاح الکرامه، آراء فقها و المراجع فی حکم تأدیب الصبیان و ضربهم*، ج ۸، ص ۲۷۳.
۵۰. حسن بن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۵۸۴، روایت ۳.
۵۱. المیثمی حافظ نورالدین، *مجموع الزوائد و منبع الفوائد*، ج ۸، ص ۱۰۶.
۵۲. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۹، ص ۱۰۳، روایت ۲.
۵۳. علی اکبر سیف، *روانشناسی پرورشی*، ص ۲۴۶.
۵۵. علی اکبر سیف، *روان‌شناسی پرورشی*، ص ۲۷۷.

منابع

- ایلینگورس، رونالدس، *کودک و مدرسه*، ترجمه شکوه نوایی‌نژاد، تهران، دانا، ۱۳۶۸.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرورالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل‌الشیعه*، بیروت دارالتراث العربی، بی تا.
- حسینی شقرایی عاملی، جواد ابن محمد، *مفتاح‌الکرامه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، «تنبیه از دیدگاه اسلامی» *فصل‌نامه حوزه و دانشگاه*، ش ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۷.
- خوئی نژاد، اکبر، *روش‌های تربیت کودک*، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
- جعفری، حسین، *آداب‌المعلمین*، قم، تندیس، ۱۳۷۸.
- سال آکسلرد، *تغییر رفتار در کلاس درس*، منیجه شهنی بیلاق، تهران، سمت، ۱۳۶۸.
- سیف، علی‌اکبر، *تغییر رفتار و رفتار درمانی*، تهران، دانا، ۱۳۷۴.
- سیف، علی‌اکبر، *روان‌شناسی پرورشی*، چ پنجم، تهران، آگاه، ۱۳۸۵.
- گلاور، جان، ای؛ برونینگ، راجر، *اچ، روان‌شناسی تربیتی (اصول و کاربردها)*، ترجمه علینقی خرازی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۵.
- گیج، نت؛ دیوید، سی بلاینر، *روانشناسی تربیتی*، ترجمه غلامرضا خوئی‌نژاد و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء ۱۴۰۳ق.
- موریس، ریچارد جی، *اصلاح رفتار کودکان*، ترجمه ناهید کسائیان، تهران، رشد، ۱۳۸۷.
- المیثمی، حافظ نورالدین، *مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد*، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
- نوری طبرسی، میزا حسین، *مستدرک‌الوسائل*، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- هرگنهان، بی آر، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، دانا، ۱۳۸۶.